

تبیین عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در حوزه جغرافیایی قفقاز جنوبی

علی کریمی کیا

دانشجوی دکتری دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم انسانی، گروه باستان‌شناسی

a.karimikiya@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۰)

چکیده

در ادبیات باستان‌شناسی حوزه جغرافیایی قفقاز جنوبی داده‌های فرهنگی بدست آمده مابین ۱۴۰۰ / ۱۵۰۰ ق.م تا ۸۰۰ / ۹۰۰ ق.م از لحاظ گاهنگاری در حوزه جغرافیایی قفقاز جنوبی به عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم منتسب می‌شود. این فرهنگ در جغرافیای پهناور آذربایجان با نام خوجالی-گدهبی، زاقافیای مرکزی، گنجه-قره باغ و در ارمنستان به نام فرهنگ لچاشن-متسامور شناخته می‌شود. بیشترین داده‌های باستان‌شناسی این فرهنگ از گورستانهای بدون استقرار بدست آمده و مطالعه شده است. در این نگارش سعی می‌شود عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم با استناد به داده‌های باستان‌شناختی به بحث و بررسی گذاشته شود. اینکه مهمترین شاخصه‌های باستان‌شناسی این دوره زمانی در جغرافیای مورد مطالعه چیست؟ با مطالعه داده‌های باستان‌شناسی و فرهنگ‌های موجود در آن می‌توان افق روشنی نسبت به باستان‌شناسی قفقاز جنوبی بدست آورد.

واژگان کلیدی: قفقاز جنوبی، عصر مفرغ متاخر، آهن قدیم، سفال، گاهنگاری.

مقدمه

در هزاره دوم قبل از میلاد در قفقاز جنوبی، طوایفی که در حرف دآمداری، کشاورزی و صنایع فلزگری پیشرفت هایی را داشتند به منصفه ظهور رسیدند. تمامی داده های باستانشناسی این طوایف در ادبیات باستانشناسی آذربایجان به فرهنگ خوجالی-گدهبی (Xocali - Gədəbəy) مشهور است. عصر مفرغ میانی که اغلب با سفال های چند رنگ (Polychrome) یا منقوش شناخته می شود، در حوزه جغرافیای گسترده ای از جمله در مناطق نخجوان (قفقاز جنوبی)، ارومیه (شمال غرب ایران) و شرق آناتولی دیده می شود. سفال هایی که با لعاب قرمز رنگ با نقش اندازی به رنگ سیاه دارای موتیف های هندسی و حیوانی انتشار یافته، با دوره های فرهنگی قبلی (عصر مفرغ قدیم) متمایز می گردد (Guliyeva, 2014: 45-46).

در این دوره، همگونی فرهنگی نه تنها در قفقاز جنوبی بلکه در شمال غرب ایران وجود داشته و مهمترین نشانه همگونی فرهنگی، سفال های منقوش رنگارنگ هستند که از تمام محوطه های شمال غرب ایران و جنوب قفقاز بدست آمده است (طلایی، ۱۳۸۵: ص ۹۶). اما در دوره مفرغ متاخر و آهن قدیم در حوزه قفقاز جنوبی و در عصر آهن I و II در شمال غرب ایران، تولید سفال های منقوش به شدت کاهش یافته و سفال های خاکستری و سیاه (در حد اکثر) و سفال منقوش (در حداقل) تولید می شده است.

بررسی های باستان شناسی عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم قفقاز جنوبی نسبت به سایر دوره ها،

تاریخ بیش از صد ساله دارد. فرهنگ مربوط به این دوره بیشتر در گورستان ها مورد بررسی قرار گرفته است. این فرهنگ به دلیل این که برای اولین بار از منطقه خوجالی - گده بی (غرب جمهوری آذربایجان) شناسایی شده، به این نام معروف گشته است (Museyibli & Axundaova, 2013: 11). حسین اف، باستان شناس آذربایجانی از محققان اصلی این فرهنگ، با در نظر گرفتن غرب آذربایجان که این فرهنگ برای اولین بار از آن قسمت جغرافیایی پیدا شده بود، نام فرهنگ خوجالی - گده بی را به این فرهنگ نسبت به دیگر نام های فرهنگی برتری داد. در ادبیات باستان شناسی روسیه (شوروی سابق) این فرهنگ بدون هیچ پایه علمی «فرهنگ زاگاف قازبای مرکزی» نامگذاری شده بود (همان). محوطه های مربوط به محدوده زمانی عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم ارمنستان عموماً در دامنه کوه ها در قلعه ها ایجاد شده و داده های فرهنگی مربوط به این دوره فرهنگی و زمانی از گورستانها به دست آمده و مورد مطالعه قرار گرفته است. از باستان شناسانی که این فرهنگ را مورد تحقیق قرار داده اند می توان به و. بلکین (V. Belkin)، که در سال ۱۸۸۸ - ۱۸۹۱ منطقه گده بی و گن چای (Gençay) و اطراف آن را مورد حفاری قرار داد؛ کراف فون (Corafvon şveini tsin)، آقایوف (Agayev)، اصلان اف (Aslanov)، بخشعلی اف (Baxşaliev)، حبیب الله اف (Habib ollayev)، کووشناروا (Kuşn - arova) (Meşşanov, 2015: 9)، مشان اف (Meşşanov)

،(Əliyev, 1978: 40 – 47) (Kultəpə II) شاه تختی (şah xəti) (Baxşəliyev,) (Qizil Burun) (2004: 129)، قیزیل بورون (Baxşəliyev, 2002: 11)، محوطه ساری دره (Novruzlu and) (Sari dərə) (Baxşəliyev, 1993: 5 – 9)، قبرستان پالئدلی (Cəfərov va Cəfərova,) (Palidli) (2015: 127 – 132)، گورستان گوی گول (Cəlilov, Axundov,) (Göy göl) (Mirzayeva, 2015: 133 – 137)، گورستان گده بی (Hüseynov, 1950) (Gədəbəy) گورستان زیم چای (Aşurov,) (Zəyəmçay) (2007: 2-3) Museyibli, axundova,) و (2013: 11-26)، کورگان بورسولنو (Borsunlu) (Maynard, 2004: 1-7)، کورگان سینیق کورپو (Siniq korpu) (Hüseynov, 2007: 3-4)، قبرستان قاضی قولو (Qazi Qulu) (Nəcəfov, 2008: 4)، (Nəcəfov, Əsədov, 2010: 80) (Nəcəfov, Hüseynov, 2011) (Nəcəfov, 2012)، محوطه بوزآلقان (Bozalqan) (Husenov, 2007) (Nəcəfov, Hüseynov, 2012) و قبرستان آسیریق چایی (Asiriq çayı) (Museyibli at) (all, 2004: 3) (نقشه شماره ۱) می باشد.

عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در قفقاز جنوبی،
حوزه جغرافیایی آذربایجان:
در ۱۴۵۰ پ.م یکی از شاخصترین فرهنگ های
باستان شناسی در جنوب قفقاز و مناطق همجوار

پاسک (Passek)، لاتینین (Latinin)، (Atəşi,) (Baxşəliyev and) (2014: 150 – 151) (Marro, 2009) و قاضی اف (Gaziyevev,) (1956)، بدلیان و آوتسیان (Badalyan, Avetisyan, 2007) اشاره کرد.

پژوهشهای انجام گرفته در قفقاز جنوبی:

به طور کلی از نظر جغرافیایی، کاوش ها، بررسی ها و مطالعاتی که در زمینه این فرهنگ صورت گرفته، شامل موارد زیر است:

۱- پژوهشهای انجام گرفته در ارمنستان.

۲- پژوهش های انجام گرفته در آذربایجان.

گروه اول شامل پژوهشهای مرتبط با این فرهنگ به نام لچاشن-متسامور (Lechashen – Metsamor) در مناطق کوهپایه ای ارمنستان که به فرهنگ تدفینهای نوع کورگانی نیز مشهور است و بیشتر در کنار رودخانه ها قرار گرفته است و بعضی از این محوطه ها و قبرستانها دارای توالی پیش از عصر مفرغ متاخر بوده و حتی تا دوره های تاریخی نیز ادامه دارد. پژوهش صورت گرفته عبارتند از: محوطه آقاراک (Avetsiyan,) (2000، آپاران (Badalyan, Avetisyan, II) (2007)، قبرستان آرتیک (Badalyan,) (2007) (Badalyan, Avetisyan, 2007) گگاروت (Badalyan et al, 2008)، قبرستان لچاشن یا اوردکلی (Lindsay, Greene, 2013)، ماستارا (Badalyan, Avetisyan, 2007) .. گروه دوم شامل حفاری های کول تپه I (Kultəpə I) (Seyidov, 2003: 18)، کول تپه II

کولانی (Kolani) / قارنی یاریق (Qarni- Yariq) که دارای تزئینات کنده هستند (Baxşəliyev, 1998: 5)، یوردچو (Yurd-Çu)، زیوه (Zeyvə)، قوملوق (Qumluq) و دمیه لر (Dəmyələr) دیده می شود (بخشعلی اف و مارو، ۱۳۹۵: ۳۹). آنچه این فرهنگ را از دوره مفرغ میانی متمایز می سازد وجود تزئینات «قارچیشکل» و دسته «نیشگوننی / دگمه ای شکل» در ظروف سفالی می باشد. علاوه بر آن «دیسک های مفرغی منقوش» (شکل شماره ۱: الف)، گوشواره های برنزی «حلزونی شکل» (شکل شماره ۱: ب)، «فیگورهای برنزی به شکل پرنده» (شکل شماره ۱: پ)، خنجرهایی برنزی با «دهانه سه گوش با سربند شبکه بندی شده مخروطی شکل» و ... (کریمی کیا، ۱۳۹۵: ۹۲-۶۰)، از دیگر مشخصه های این فرهنگ (فرهنگ خوجالی-گده بی) است که توسط باستان شناسان مورد توجه قرار گرفته است (Baxşəliyev, 2004: 174-5) خنجرهای متعلق به عصر مفرغ میانی عموماً ساده و بدون نقش بوده و از برنز ساخته شده است. در حالیکه ادوات جنگی فرهنگ خوجالی-گده بی از جمله خنجرها از فلزاتی مانند برنز، آهن و همچنین از استخوان ساخته شده؛ اما اکثریت ادوات جنگی از جنس مفرغ هستند. خنجرهای متعلق به فرهنگ خوجالی-گده بی که یکی از شاخصه های این فرهنگ به شمار می رود، دارای سربند جداگانه و یا متصل به بدنه اصلی خنجر (شکل شماره ۱: ت) می باشد (Nadiroğlu, 2008: 65-75). باستان شناسان آذربایجانی نقطه

ظهور می یابد که در ادبیات باستان شناسی با عنوان فرهنگ خوجالی - گده بی شناخته می شود. بررسی های باستان شناختی عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم جمهوری آذربایجان نسبت به سایر دروه ها، تاریخ بیش از صد ساله دارد و فرهنگ مربوط به این دوره بیشتر در گورستان ها مورد بررسی قرار گرفته است. از مهمترین محوطه های متعلق به این فرهنگ، محوطه کول تپه I (Kul təpə I)، می باشد که از دوره مس - سنگی تا دوره آهن قدیم مسکونی بوده و دارای IV طبقه فرهنگی و طبقه IV آن متعلق به عصر آهن قدیم می باشد (Baxşəliyev, 2002: 7). علاوه بر آن محوطه کول تپه II (Kul təpə II) که در نخجوان قرار دارد و توسط بخشعلی اف مورد حفاری قرار گرفته است. داده های مهم به دست آمده سفال های ساده و منقوش (Baxşəliyev, 2004: 126) و بقایای معماری و ساختاری آن فقط مربوط به خشت و سنگ های رودخانه ای و همچنین انباشت خاکستر در اطراف اجاق ها و دیوهای استخوان بوده، بدست آمده است (Seyidov, 2003: 180). ظروف سفالی خاکستری رنگ بطور کلی شامل کاسه ها، کوزه ها، خمره ها، بشقاب ها و لیوان هاست. زائده «قارچی شکل» که از ویژگی های فرهنگی خوجالی - گده بی می باشد در انواع گونه های کاسه ها و خمره ها (Ibid: 181)، و کاسه هایی که دارای لبه صاف و مسطح و کروی شکل هستند در نزدیکی لبه زائده گوشواره مانند از محوطه قاراباغلار (Garabağlar) (Baxşəliyev, 2002: 16).

شکل گیری و منشاء انتشار این فرهنگ را به دلیل بدست آمدن داده های باستان شناختی این فرهنگ و تمرکز داده های شاخص مذکور، آذربایجان و به خصوص غرب این کشور می دانند که در ۹۰۰/۸۰۰ - ۱۴۵۰ ق.م از مناطق قفقاز جنوبی تا شمال غرب ایران، بین طوایفی که بصورت مسالمت آمیز باهم در ارتباط بودند، انتشار یافته است. این فرهنگ بخاطر حفاری های جدید در سواحل جنوبی ارس نسبت به سایر نقاط شمال غرب ایران بیشتر تجزیه تحلیل شده است (کریمی کیا، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۳۴). از محوطه های مهم این فرهنگ که اخیرا به دقت مورد مطالعه قرار گرفته محوطه آسیریق چای (Asiriq çay)، محوطه سیدلر (Seyidlər yerləşimi) می باشد. محوطه آسیریق چای در کنار روستای بوزآلقانلی (Bozalqanlı) قرار دارد و حدودا ۱,۵ کیلومتر را دربرمی گیرد (Museyibli et al, 2007: 4).

داده های به دست آمده از این محوطه فرم های گوناگون سفالی را شامل می شود که دارای کاربردهای مصارف روزانه/خانگی بوده است. فرم، ابعاد و تزئین سفال ها، کارکرد آنها را برای ما مشخص می سازد. سفال های به دست آمده از این محوطه شامل کوزه، ظروف ذخیره، دیگ های پخت و پز و فنجان ها بوده است. تزئیناتی که در روی ظروف به کار برده شده، کلا موتیف هندسی را شامل می شود که بیشتر به خطوط کشیده شده به صورت برآمده یا عمیق، لوزی های کوچک، خطوط مواج، خطوط افقی، نقش نقطه مانند همراه با خطوط راست، کشیده شده است. در بعضی از

ظروف دسته نیشگون / دکمه مانندی دیده می شود که در فرهنگ خوجالی - گده بی رایج بوده است (شکل شماره ۲). جالب است تمامی نقوش در قسمت بالای بدنه در نزدیکی شانه کشیده شده است (IBId). سفال های فرهنگ خوجالی - گده بی از طرف باستان شناسان به دو گروه، سفال های خاکستری رنگ چرخساز و ظروف منقوش دست ساز صورتی و یا قرمز رنگ خوش پخت تقسیم بندی می شود، بنابراین تولید سفال منقوش متداول در عصر مفرغ میانی در عصر مفرغ متاخر نیز ادامه داشته است (بخشعلی اف و مارو، ۱۳۹۵: ص ۴۰). در طول عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم، تبادلات فرهنگی شدید مابین فرهنگ سفال منقوش و فرهنگ خوجالی - گده بی نشان می دهد که این قبایل و جوامع از لحاظ فرهنگی و سیاسی اتحادیه ای را تشکیل داده بوده اند (Bakhshaliyev, 1997: 37). سفال های به دست آمده از گورستان های متعلق به این فرهنگ دارای تزئینات هندسی، جانورسان، اجرام سماوی، نباتی و آبی هستند. این تزئینات بیشتر از سفالهایی که از گورستان زیم چای (Zəyəmçay) به دست آمده بهتر مطالعه شده است. این تزئینات شامل نقوش گوزن های خالدار (شکل شماره ۳)، تزئینات سر قوچ - گوسفند که با روش افزوده ایجاد شده (شکل شماره ۴)، تصاویر خورشید (شعاع خورشید) (شکل شماره ۵)، نقوش سنبل به صورت افقی و نقوش جریان آب رودخانه یا بارش باران می شود (شکل شماره ۶) (Museyibli, Axundova, 2013: 11 - 26). محوطه سیدلر که در دشت

کورگانی شکل (Baxşəliyev, 2000: 17)، ساری دره I (Sari Dərə I)، کورگانی شکل (Seyidov, 2003: 206)، گورستان بای احمد از نوع جعبه سنگی (Novruzlu,) 33 – 16 (Baxşəliyev, 1993: 16 – 33)، گورستان مونجوق لو تپه از نوع جعبه سنگی شکل (Baxşəliyev, 2002: 49)، گورستان پالئدلی (Palidli) به صورت گورهای خاکی یا ساده (کنده شده در خاک) (Cəfərov, Cəfərova,) 132 – 127 (2015: 127 – 132)، گورستان زیم چای (Zəyəmçay) کاتاکومبی شکل (Museyibli,) 23 – 11 (Axundova, 2013: 11- 23) می باشد. یکی از مسائل جالب توجه در این گورستان ها، تدفین ثانویه و داشتن قربانگاه یا معبد است، زیرا با بررسی تدفین های دسته جمعی (Collective)، تدفین های ثانویه متصور می گردد، چرا که فقدان و نبود سنگ های جانبی دیواره قبور این مسئله را تصدیق می کند (شکل شماره ۷) (Baxşəliyev,) 263 (2008: 263). استفاده از جایگاه مقدس و فعالیت های مذهبی در محل مسکونی بدست آمده از لایه VIII کول تپه I مربوط به دوره مس-سنگی (Abibullayev, 1982: 28) و همچنین یافته شدن معبد، مربوط به عصر مفرغ قدیم از کول تپه I و II که اجاق هایی به شکل شاخ گاو و نعل اسب بوده، بکار گیری جایگاه مقدس در محوطه های مسکونی و یا تدفینی در منطقه، قبل از دوره مفرغ متاخر و آهن قدیم را در حوزه قفقاز جنوبی برای ما مشخص می سازد (بخشعلی اف و مارو، ۱۳۹۵: ۲۰ و ۱۰). بعضی از این گورستان ها از جمله

ساموخ (Samux) قرار دارد در سال ۲۰۰۳ مورد حفاری قرار گرفته و داده های بدست آمده مربوط به سفال های با شاموت شن دارای تزئینات کنده و ابزارآلات کشاورزی که از سنگ چخماق و ابسیدین ساخته شده بودند. از مهمترین بقایای فرهنگی به دست آمده از این محوطه، خمره های ذخیره که دارای دانه های گندم، جو دوسر، حبوبات و ... و بقایای یک کوره در عمق ۵۰ سانتی متر به دست آمد (Huseynov et al, 2004: 3-4). بیشترین هدایای تدفینی این فرهنگ شامل مصنوعات برنزی، از جمله ادوات حربی و تزئینات شخصی هستند که صنعت فلزگری پیشرفته این فرهنگ را منعکس می سازد. بعضی از اشیای برنزی ترکیبی از صدف های دریایی و دانه های عقیق هستند که تجارت با مناطق دوردست را نشان می دهد (بخشعلی اف و مارو، ۱۳۹۵: ص ۴۱). به نظر می رسد که در خلال تدفین مجموعه ای از مراسم و تشریفات مذهبی اجرا می شده و همراه با خوردن و آشامیدن و سفال شکنی همراه بوده است. از داخل بعضی از قبور استخوان سنجاب، سنگ و اسب همراه با مرده بدست آمده که از طرف محققان بازتاب کننده اندیشه مذهبی و اعتقادی در نظر گرفته شده است (همان: صص ۴۳ و ۴۲). بخش بیشتری از داده های فرهنگی، از گورستانها بدست آمده است که دارای اشکال متفاوتی هستند. داده های به دست آمده از گورستانها ظروف سفالی و فلزی را شامل می شود. گورستان شاه تختی، به صورت چهارگوش و صندوق شکل (Baxşəliyev, 1997: 33)، قاراباغلار

نقش ماه و در قسمت عقب، تصویر یک مار دیده می شود. دومین تصویر مربوط به انسانی است که به دو قسمت تقسیم شده و دارای زائده شاخ مانند و دایره چاله مانندی می باشد (شکل شماره ۹). بنابه دیدگاه محققین، دایره هایی که در داخل آن چاله نقطه مانندی دارد، نقش خورشید را تمثیل می کند. تصاویر همانند این در آذربایجان بر روی سطوح ظروف گلی متعلق به فرهنگ خوجالی - گده بی دیده می شود (Baxşəliyev, 1998: 4-2).

محوطه های مربوط به عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در ارمنستان:

در باستانشناسی ارمنستان، فرهنگهای مربوط به دوره مفرغ متاخر و آهن قدیم بیشتر از سایر دوره های فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و در بیشتر نقاط کشور از جمله در منطقه شیراک (Shirak) توسط خاچاتریان (Khachatryan, 1975)، شمال شرق ارمنستان توسط ایسیان (Esayan, 1976)، منطقه سونیکهم توسط خانکیکیان (Khankikyan, 2002) مورد مطالعه قرار گرفته است. تا مدتها هیچ نقشه توزیع مناطق و محوطه های باستانی و در حقیقت هیچ نوع نقشه نگاری به صورت سیستماتیک در ارمنستان کار نشده است (Badalyan, Avetisyan, 2007: 7)، تا اینکه در سالهای اخیر کارهای نقشه نگاری های پیشرفته ای در دشت تساکاهوی تو سواحل جنوبی دریاچه گوگچه (سوان) صورت گرفته است (Avetisyan, et al, 2000: 24).

مونجوق لو تپه (Muncuqlu təpə) که هرکدام از گورها به صورت جداگانه قربانگاه داشت، قربانگاه ها درست در قسمت ورودی و جلوی گورها ایجاد شده بود. عمق قربانگاه ها ۵۰ سانتی متر و عمق گورها ۱۰۰ - ۷۰ سانتی متر مشخص شده است (Baxşəliyev, 2002: 110 - 111). یکی از محل های مذهبی مربوط به این فرهنگ از محوطه ی گگاروت (Gegarut) ارمنستان بدست آمده که از طرف حفار معبد نامگذاری شده است (تصویر شماره ۱). از داخل معبد اشیای سنگی مربع شکل، مجسمه های سفالی انسانی شکل شاخدار همراه با پوشش خرقة مانند، ابزار های سنگی دایره ای شکل، ظروف سفالی، ظروف آیینی یا تشریفات مذهبی، ابزارهای استخوانی و تزئینات شخصی یافت شده است (Badalyan et all, 2008: 61- 65). اشیای به دست آمده از قربانگاه ها و گورها عبارتند از: ظروف گلی، اشیای تزئینی شامل دیگ، قوری، لیوان، خمره های دسته دار، کاسه، الگو، انگشتر، گوشواره، ادوات سوراخ کننده، سرنیزه و خنجر بود (Seyidov, 2003: 213). از دیواره یکی از قبور گورستان کولانی (Kolani) دو تصویر بر روی دو سنگ کشیده شده بود که روبروی هم قرار داشتند (شکل شماره ۸). اولین تصویر بر روی لوحه سنگی دوزنقه ای شکل به صورت استلیزه ایجاد شده و تصویر انسان سواره را نشان می دهد. در قسمت سر انسان یک چاله دایره ای شکل وجود دارد که قسمت بالایی آن یک زائده برگ مانندی دارد. در قسمت جلوی تصویر سواری،

اند (- 51: Badalyan, Avetisyan, 2007). گورستان های مورد مطالعه قرار گرفته در ارمنستان، پلان های مختلف الشكل را نشان می دهد. فرم گورستان آپاران II (Aparan II) بصورت مستطیل شکل بوده (جعبه سنگی) (پلان شماره ۱) و بخاطر آشفشانی بودن سنگ های منطقه، سنگ های به کار برده شده بیشتر از سنگ بازالت می باشد. بعضی گورها فاقد بقایای اسکلت انسانی بود. شیوه تدفین بدست آمده از قبرستان آرتیک به صورت کاتاکومبی شکل (Catacomb) بوده و این گورها شامل اتاق های حفاری شده در داخل لایه های سنگ توف (Tuff) با شافت های (Shaft) دسترسی عمومی می باشد (پلان شماره ۲). شیوه دیگر تدفین به کار برده شده، کورگانی شکل می باشد که از گگاروت و لچاشن (Lechashen) یا اوردکلی (Ördakli) به دست آمده است. کورگان های به دست آمده از گگاروت در محورهای شمال شرق - جنوب غرب بوده، چاله تدفین به وسیله سنگ های نعلی شکل از جنس توف (Tuff) پوشش یافته است (پلان شماره ۳). در کف اتاق های تدفین، اسکلت های حیوانی اعم از گوسفند، بز، دنده و مهره حیوانات پستاندار، مجموعه اسب، اشیای سفالی، فلزی و سنگی به دست آمده است (تصاویر شماره ۲). داده های فرهنگی به دست آمده از قبرستان گگاروت مربوط به فرهنگ لچاشن - متسامور I (mor I Lechshen - Metsa-) می باشد. قبرستان لچاشن که یکی از گورستان های مهم متعلق به فرهنگ لچاشن - متسامور هست در سال

تحقیقاتی در مورد فرهنگ عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در دهه اخیر در ارمنستان صورت گرفته است. از آن جمله میتوان به گورستانها و محوطه هایی مانند آقاراک (Agarak)، تالین (Talin)، آپارانی (Aparani)، آرتیک (Artik)، گگاروت (Gegarot)، کانتاگبور (Kanta-Khoja-ghbyur)، کتی (Keti)، خوجاباقر (Kuchak)، کوچاک (Kuchak)، مانناش (Man-Shira-tash)، ماستارا (Mastara)، شیراکاوان (Shira-kavan)، آنوشاوان (Anushavan)، تساکاهویت (Teshghkahovit) اشاره کرد (Badalyan, 2007:8). محوطه های مربوط به محدوده زمانی عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم ارمنستان عموماً در دامنه کوه ها در قلعه ها ایجاد شده و داده های فرهنگی مربوط به این دوره فرهنگی و زمانی از گورستانها به دست آمده و مورد مطالعه قرار گرفته است. بیشترین اطلاعات ما با مطالعه سفال ها به دست می آید. سفال ها شامل: دیگ، کوزه، کاسه، پیتوس (Pithos)، پیاله، آمفورا در طیف رنگ های خاکستری، سیاه، زرد - قهوه ای و قرمز می باشد (Badalyan, 2007: 25 - 55). تزئینات به کار رفته در ظروف به طور عمده قسمت فوقانی ظروف را دربر گرفته و نقوش ایجاد شده کلاً بصورت هندسی از جمله: تزئینات نقطه ای از قبرستان آپاران II، سفال های به دست آمده از قبرستان آرتیک (Artik) دارای تزئینات زیگزاگی، خطوط و باندهای مورب (شکل شماره 10) که به روش های کنده کاری و داغدار کردن تزئین یافته

۲ - ۱/۵ متر بوده است. ساخت و استفاده از تالار ستوندار است که در حوزه قفقاز تالار ستوندار در این برهه زمانی بدست نیامده و بافت معماری حوزه قفقاز در ابعاد کوچک و بدون چشمگیر بوده است. یکی از مهمترین نکته در ایجاد تالارهای ستوندار و معبد اشاره به وجود سیستم مدیریتی دارد و این سیستم مدیریتی بیشتر در شمال غرب ایران محسوس تر است.

بحث و نتیجه گیری:

در اواخر هزاره دوم ق.م در قسمت غربی جمهوری آذربایجان طوایف و جوامعی که در حرف کشاورزی و دامداری مشغول بودند به منصفه ظهور رسیدند. تمامی داده‌های باستانشناختی و فرهنگی مربوط به این جوامع در ادبیات باستانشناسی آذربایجان به نام «فرهنگ خوجالی- گدهبی» مشهور شده است. باستان شناسان آذربایجانی نقطه شکل گیری و منشاء انتشار این فرهنگ را به دلیل بدست آمدن داده های باستانشناختی این فرهنگ و تمرکز داده‌های شاخص، آذربایجان و به خصوص غرب این کشور می دانند که در ۹۰۰/۸۰۰ - ۱۴۵۰ ق.م از مناطق قفقاز جنوبی تا شمالغرب ایران، طوایفی که بصورت مسالمت آمیز با هم در ارتباط بودند، انتشار یافته است. از نظر گاهنگاری عصر مفرغ متاخر در شمالغرب ایران به سال ۱۵۰۰-۲۰۰۰ ق.م و در حوزه جغرافیایی قفقاز ۱۱۵۰/۱۲۵۰ - ۱۴۵۰/۱۵۰۰ ق.م تاریخگذاری شده است. از ویژگیهای اصلی فرهنگهای خوجالی-گدهبی و

۲۰۰۵ مورد بررسی و حفاری قرار گرفت. کورگان های لچاشن دارای قطر ۱۵,۷۰ متر و از سطح زمین ۱,۲۰ متر ارتفاع داشت (پلان شماره ۴) سطح لایه های اولیه گورها به وسیله خاک نرم مخلوط با شن، صدف و سنگ هایی در اندازه های متفاوت و روی آنها با بلوک های سنگی بزرگ پوشش یافته بود (پلان شماره ۵). از داخل گورهای حفاری شده اسکلت های انسانی، حیوانی، ظروف سفالی به دست آمد (Notiziario, 2005: 344). از لحاظ تقسیم بندی فرهنگ عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در ارمنستان از اصطلاح فرهنگی لچاشن - متسامور (Lechashen - Metsamor) استفاده شده است. این تقسیم بندی از لچاشن - متسامور I تا لچاشن - متسامور V را شامل می شود و از لحاظ زمانی از ۱۵۰۰ ق.م تا ۸۰۰ ق.م ادامه می یابد (Lindsay & Greene, 2013: 695).

فضای معماری:

در حوزه جغرافیایی قفقاز جنوبی بقایای معماری یا کمتر به دست آمده یا کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. بقایای معماری در محوطه های مربوط به آذربایجان و ارمنستان که خیلی ضعیف و فقیر به نظر می رسد، در ساخت بناها بیشتر پی بنا از سنگ، علی الخصوص از سنگ های رودخانه ای و در روی پی بنا از خشت خام استفاده شده است و پلان آنها تماما بدون استثناء چهارگوش می باشد. بعضی از محوطه ها در حوزه قفقاز دارای دیوار دفاعی بوده و بعضی از آنها بدون دیوار دفاعی گزارش شده و ضخامت دیوارهای دفاعی

اقتصادی و معنوی به حساب می آید. بر اساس پیدا شدن قبرستانهای بدون استقرار در دامنه کوهها و مناطق کوهستانی توام با محوطه استقراری در مناطق پست، باستان شناسان به چنین نتیجه ای رسیده اند که معیشت و نوع زندگی در این برهه زمانی بصورت نیمه کوچرو بوده و ساکنان مناطق کوهستانی به فعالیتهای دامداری و کشاورزی میپرداخته اند. یکی دیگر از عناصر مهم در موضوع و گستره معنوی و مذهبی ساخت و استفاده از معبد بوده است. استفاده از معبد یکی از الزامات این فرهنگ بشمار می رود. چرا که از داخل بعضی از قبور تدفین استخوان سنجاب، سگ و اسب همراه با مرده بدست آمده است. غیر از آنها پیدا شدن جایگاه و سکوی قربانگاه از قبرستانها و در هم آمیختگی خاک پوششی قسمت بالایی قبور، همراه با تکه سفالها از طرف باستان شناسان نشانه ای از اجرای آیین تدفین همراه با پذیرایی شناخته شده است. گاهی معبد در محوطه استقراری و بعضا در کنار قبرستانها و محللهای بدون استقراری ایجاد شده، که هم پرستش در محوطه استقراری و مسکونی و هم کنار قبرستانها را نشان می دهد.

لچاشن متسامور، سفالهای خاکستری رنگ با تزئین به روش کنده کاری و اشیای برنزی می باشد. تمامی این هنر اعم از تدفین، فلزگری و ... از طرف باستانشناسان به قبایل بومی منتسب شده است. از لحاظ شکل و فرم، قبور بصورت مختلف الشكل از جمله: گورهای جعبه سنگی و کورگان یشکل در مناطق کوهستانی و در مناطق پای کوهی و دشت مانند، بیشتر گورهای ساده، قبورخاکی (قبورکنده شده در خاک)، قبور چاله ای، ساده و خشتی بوده و تدفین ها هم بصورت دسته جمعی و هم بصورت فردی (تکی) انجام گرفته است. تدفین ها در منطقه مسکونی حوزه قفقاز بیشتر بصورت دسته جمعی و ثانویه بوده است. اما با این تفاوت، تدفین با ساختار خشتی از منطقه قفقاز بدست نیامده است. تدفین های کورگانی و جعبه سنگی شکل در دو حوزه جغرافیایی در مناطق غیر مسکونی و گورستانی بوده و از پای کوهها و اطراف قلعه ها گزارش شده است. قبرستان های مربوط به عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم در حوزه قفقاز جنوبی و شمال غرب ایران نسبتا خوب شناسایی شده و یکی از منابع مهم برای مطالعه طبقات اجتماعی و شرایط

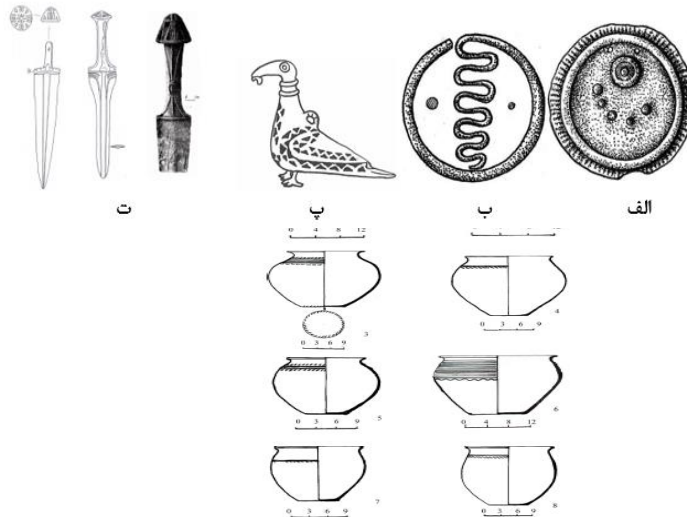
- tsakahovit plain, Armenia, study micenei ed ego-Anatolici, XLII/I, P: 19-59
- Badalyan, R.S, Avetsiyan.P.S, 2007, Bronze and Iron Age Archaeological in Armenia. I. MT. Aragats and Its Surrounding region, BAR. International series, Oxford.
- Badalyan, Ruben, Smith, Adam.T, Lindsay, Lan, Avetisyan, Pavel, 2008, Village, fortress, and town in Bronze and Iron Age SouthernCaucasia: A preliminary report on the 2003-2006 investigations of Project ArAGATS on the Tsaghkavovit Plain, Republic of Armenia.
- Baxşəliyev, Vəli, 2004, Naxçıvan Qədim Əkinçi - Maldar Tayfalarinin Mənəvi Mədəniyyəti, Baki.
- Bahşeliyev, Veli, 1998, Nahçivanda bir erken demir çağ nekropolu: Kolani, Türk tarih kurum basimevi, Ankara.
- Bəxşəliyev, Vəli, 2002, Naxçıvanin Eekən Dəmir Dovru Mədəniyyəti, Baki.
- Bəxşəliyev, Vəli, 2004, Naxçıvan Qədim Əkinçi - Maldar Tayfalarinin Mənəvi Mədəniyyəti, Baki.
- Baxshəliyev, Vəli, 1997, Nahçivan arkeolojisi / The Arcaeology Of Nakhichevan, Arkeoloji ve sanat yayınları, Istanbul.
- Baxşəliyev, Vəli. 2008. Naxçıvanin Arxeoloji Abidələri. Baki: «ELM».
- منابع:
- بخشعلی اف، ولی، مارو، کاترین، ۱۳۹۵، باستان شناسی نخجوان، ترجمه کریمی کیا، علی، میرزایی، محمد، تهران: کمال اندیشه.
- کریمی کیا، علی، ۱۳۹۵، پژوهشی در فرهنگ خوجالی-گده بی در شمال غرب ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- طلائی، حسن، ۱۳۸۵، عصر مفرغ ایران، تهران، سمت.
- میرزایی، محمد، کاظمی، محمد، کریمی کیا، علی، ۱۳۹۳، زیست محیط آذربایجان و آناتولی شرقی در عصر مفرغ و آهن، تبریز: پروژه ترجمه حسنلو.
- Abibullayev O.A. 1982, энеолит бронза на территории нахичеванской АССР, ЭЛМ, Баку.
- Ashurov, Safar, 2007, Zayamchay report of excavation of a catacomb Point 355 of Baku-Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Acamdemy of Sciences, Institute of Archaeology and Ethnography, Baku Azerbaijan.
- Avetisyan, P. S., Badalyan, R. S., Smith, A. T., 2000, preliminary report on the 1998 archaeological investigation of project Aragats on the

- Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Acamdemy of Sciences, Institute of Archaeology and Ethnography, Baku Azerbaidjan.
- Huseynov, Fuad, 2007, excavation of sinig korou kurgan burial, Point 355 of Baku- Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way.
 - Lindsay, Ian, Greene, Alan, 2013, Sovereignty, mobility, and political cartographies in Late Bronze Age southern Caucasia, Journal of Anthropological Archaeology, Vol: 32, pp: 691-712.
 - Manyard, David, 2004, Bor-sunlu kurgan excavation, Point 355 of Baku- Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Acamdemy of Sciences, Institute of Archaeology and Ethnography, Baku-Azerbaijan.
 - Museyibli, Najaf, Jalilov, Bakhtiyar, Agayev, Gahraman , 2007, excavation of Asrik-chai Settlement Site, Point 377 of Baku- Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Acamdemy of Sciences, Institute of Archaeology and Ethnography, Baku-Azerbaijan.
 - Museyibli, Nəcəf, Axundova, Qulnarə, 2013, Xocali - Gədəbəy Mədəniyyəti Kerami-
 - Bahşeliyev, Veli, 1998, Nahçivanda bir erken demir çag nekropolu: Kolani, Turk tarih kurum basimevi, Ankara.
 - Cəfərov, H.F., Cəfərova, D. H., 2015, Palidli Nekro- polunda və Ətraf Ərazidə 2013-2014-cü illərdə Aparıl- miş Tədgigatlar Haggında, AZƏRBAYCANDA ARXE- OLOJİ TƏDQİQATLAR, 2013-2014, Baki.
 - Cəlilov, B.M., Axundova, N.Ə., Mirzoyeva, T.Ə., 2015, GÖYGÖL-GORANBOY Arxeoloji Ekspediyasının 2013-2014-CÜ illərdə Apar- diği Arxeoloji Tədgigatlara Dair, AZƏRBAYCANDA ARXEOLJİ TƏDQİQAT- LAR 2013-2014, Baki.
 - Novruzlu, Ə. I., Baxşəliyev, V., 1993, Culfa bolgəsinin arxeoloji abidələri, Baki, Elm.
 - Guliyeva, Zeynəb, 2014, Arpaçay vadisinin tunc dovru Arxeoloji Abidələri, Elm və təhsil, Baki.
 - Huseynov, Fuad, 2007, excavation of sinig korou kurgan burial, Point 355 of Baku- Tiblisi- Ceyhan and South Caucasus Pipelines Right of Way, Azarbaijan National Acamdemy of Sciences, Institute of Archaeo-logy and Ethnography, Baku-Azerbaijan.
 - Huseynova, Mmuzaffar, Agay- ev, Gahraman, Ashurov, Safar, 2004, Long report excavation of seyidlar Settle- ment Point 355 of Baku-

- toplusu), iyul-avgust 2011, 4(24), s: 139-148, Baki.
- Nəcəfov, Şamil, Hüseynov, Muzəffər, 2012, Bozalganlı yaşayış yerinde Arxeoloji tədqiqatın ilk yekunları, Azərbaycan Arxeologyasi, Vol: 15, No: 1.
 - Nutiziario, 2005, Armenian – Italian Archaeological expedition. Field season, SMEA: 47, pp: 333-344.
 - Novruzlu, Ə. I., Baxşəliyev, V., 1993, Culfa bolgəsinin arxeoloji abidələri, Baki, Elm.
 - Seyidov, A. (2003), Naxçıvan e.ə. VII-II Minilliklərdə, Baki, Elm.
 - Əliyev, V.H., Seyidov, M. M., 1978, II Kultəpədə 1978-ci ildə aparılmış arxeoloji qazıntıların hesabatı, Azərbaycan.
 - kasinin Ornamentlərinin Etno-Arxeoloji Tədqiqatı, Azərbaycan Arxeologyasi və Etnoqrafyasi, No 2, Baki.
 - Nəcəfov Nadir oğlu, Şamil, 2008, Zəyəmçay hozəsinin son tunc—ilk dəmir dövrü qəbir abidələri.
 - Nəcəfov Nadir oğlu, Şamil, 2012, Qazıqulu nekropolunun qəbir abidələri və dəfn adətləri, Azərbaycan Arxeologyasi və Etnoqrafyasi, No 1, Baki.
 - Nəcəfov Nadir oğlu, Şamil, Əsədov, V.A., 2010, Qazıqulu nekropolunun qəbir abidələri və arxeoloji materyalları, Azərbaycan Arxeologyasi və Etnoqrafyasi, No 1, Baki.
 - Nəcəfov, Ş. N., Hüseynov, M. M., Həsənsu nekropolunun qəbir abidələri və dəfn adətləri. Dövlət və Din (ictimai fikir

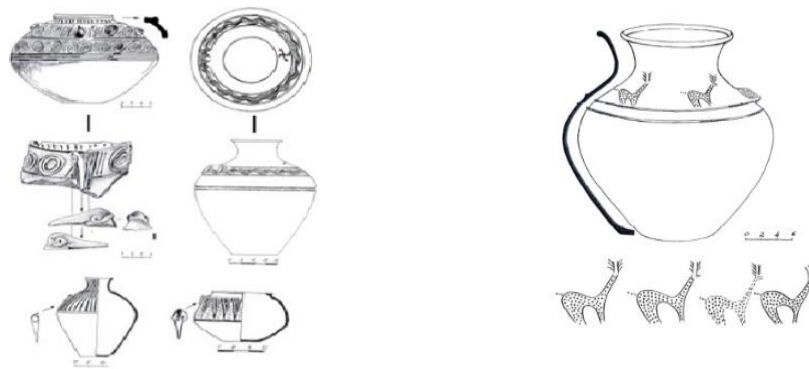


نقشه شماره ۱: (<https://fa.wikipedia.org/wiki/>).

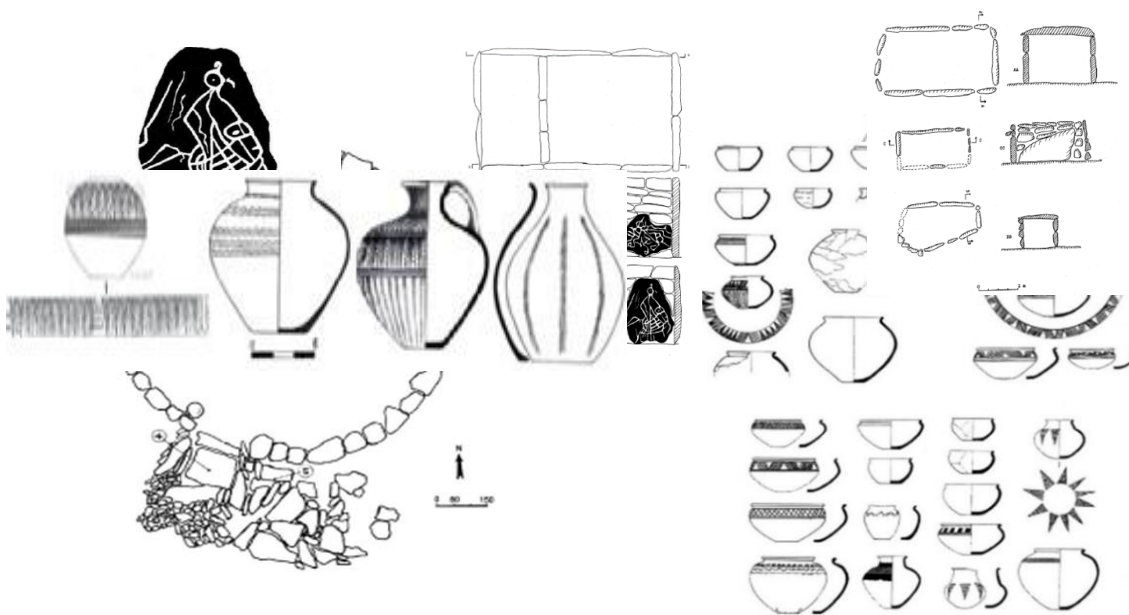


شکل شماره ۱: منبع شکل الف، ب، پ (Avşarova: 2007: 110 & 147) و شکل ت (Baxşəliyev, 2004: 174-5)

شکل شماره ۲: (Museyibli at all, 2007: 18).

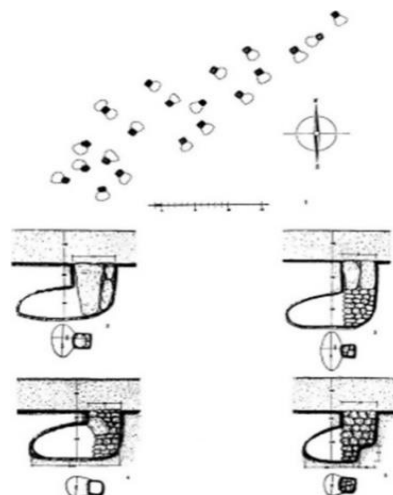
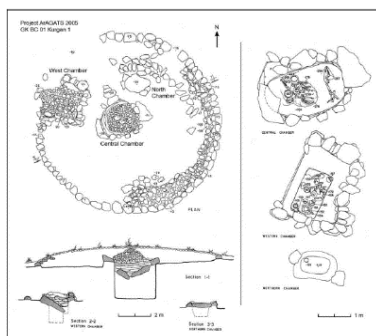


شکل شماره ۳: (Museyibli & Axundova, 2013: 20) شکل شماره ۴: (Museyibli & Axundova, 2013: 21)



شکل شماره ۵: (Museyibli & Axundova, 2013: 24) شکل شماره ۶: (Museyibli & Axundova, 2013: 25, 26)

شکل شماره ۸: (Baxşəliyev, 2002: 89) شکل شماره ۹: (Baxşəliyev, 2002: 104) شکل شماره ۱۰: (Baxşəliyev, 2004: 171)
شکل شماره ۱۶: (Badalyan, Avetisyan, 2007: 55) پلان شماره ۱: (Badalyan, Avetisyan, 2007: 51)



پلان شماره ۲: (Badalyan, Avetisyan, 2007: 66) پلان شماره ۳: (Badalyan et al, 2015: 60)

تبیین عصر مفرغ متاخر و آهن قدیم....

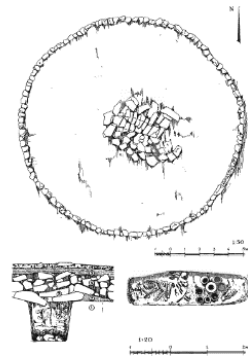


تصویر شماره ۲

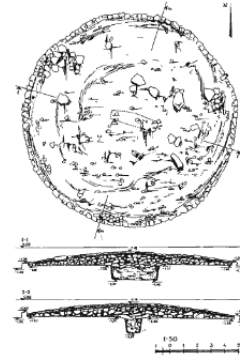


تصویر شماره ۱

تصاویر شماره ۱ و ۲: (Badalyan et all,2008:61 65)



پلان شماره ۵



پلان شماره ۴

پلان شماره ۴ و ۵: (Notiziario,2005: 341-342)